

## بررسی رسم چله‌نشینی از رهگذر ارزیابی اخبار و اقوال

کامران آقایی<sup>۱</sup>

جواد نصیری وطن<sup>۲</sup>

### چکیده

در میان فرقه‌ی صوفیه، رسمی به نام چله‌نشینی وجود دارد که از یکسری اعمال خاص شکل گرفته است. این اعمال در مدت چهل روز برای پاک شدن از آلودگی‌های باطنی و طهارت روحی صورت می‌پذیرد. این فرقه، اعمال خود را برگرفته از دین می‌دانند و برای اثبات آنها به حدیث «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ...»، اعمال و عملکرد پیامبرانی چون حضرت موسی (ع) در میقات چهل روزهی خود و حضرت محمد (ص) در خلوت‌گزینی‌هایی که در غار حرا داشته است، تمسک جسته‌اند. در پژوهش حاضر به این نتیجه رسیدیم که مستندات حدیثی آنها سند صحیحی نداشته است و از متن آنها موافقت با این رسم اثبات نمی‌گردد و گوشه‌نشینی صحیح که دین با آن موافق است و آن را تجویز کرده، نه تنها انسان را از جامعه دور نمی‌کند، بلکه فرد را در متن جامعه قرار می‌دهد و با تقویت ایمان، او را به پاکی دعوت می‌کند.

### کلیدواژه‌ها

چله‌نشینی، حدیث اخلاص، خلوت‌گزینی پیامبر (ص)، میقات حضرت موسی (ع)

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی. کارمند آموزش و پرورش.  
kamrankamazani@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)  
javadnasirivatan@gmail.com

## ۱. طرح مسأله

صوفیه یکی از فرقه‌های اسلامی است که پیدایش آن به اوایل قرن دوم هجری برمی‌گردد. این فرقه، معتقد است که تعالیم آنها از جمله رسم چله نشینی، منطبق با قرآن و سنت بوده است و به همین دلیل برای توجیه کار خود به آیات قرآن و روایت معصومین استناد کرده‌اند. این مقاله درصدد است، مستندات آنها را بررسی کند و اعتبار آنها را مورد سنجش قرار دهد. با تتبعی که درباره‌ی پیشینه‌ی بحث انجام گرفت مشخص شد که، کتاب و مقاله‌ی متناسب با چله نشینی وجود ندارد و تنها پایان‌نامه‌ی خانم سهیلا منیری جاوید با عنوان «چله نشینی در عرفان اسلامی» در این رابطه نوشته شده است. در کتاب‌های عرفانی نیز به بحث چله نشینی پرداخته‌اند، اما جنبه‌ی نوآوری این مقاله در این است که مستندات صوفیه که آیات و احادیث می‌باشد، مورد کنکاش قرار گرفته‌اند و صحت و سقم و نحوه‌ی دلالت آنها بررسی شده است.

## ۲. اصطلاح چله نشینی

چله‌نشینی مرکب از دو بخش است، بخش اول آن از «چله» تشکیل شده است که نماینده‌ی عدد چهل می‌باشد.

این عدد در میان اقوام مختلف مظهر رموزی بوده است، از جمله در هند، بودا، رسالت خود را از سن چهل سالگی شروع می‌کند و در مصر قدیم ادوار علم نجوم بر حسب چهل سال محاسبه می‌شده است. در تعدادی از قبایل آمریکایی، فردی که همسرش فوت می‌کرد، بعد از چهل روز می‌توانست ازدواج نماید (صدقه، ۱۹۹۴م، ۳۷).

در زمان جاهلیت نیز عدد چهل تقدس خاصی داشت؛ به طور مثال عرب جاهلی غالباً شخصی را که به چهل سالگی نرسیده بود در شورای دارالندوه به عضویت نمی‌پذیرفت (ارزقی، ۱۴۰۳ق، ۱: ۱۰۹). در قرآن کریم نیز سن چهل سالگی زمان مناسب برای رشد انسان محسوب شده است «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشَدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ...» (الأحقاف: ۱۵).

می‌توان نتیجه گرفت که عدد چهل دارای اسرار و رموزی است و به همین سبب اکثر ملل و اقوام از این عدد در موارد مختلف استفاده می‌کرده‌اند. اما در بیان مفهوم و مراد از چله‌نشینی چنین می‌توان گفت که این واژه بیانگر اعمالی است که به قصد ریاضت و عبادت و ترك لذایذ دنیوی و کم کردن خورد و خواب با شرایط و ضوابطی خاص صورت می‌پذیرد. این اعمال چون در طی چهل روز باید انجام گیرد، چله‌نشینی نامیده شده است (دهخدا، ۱۳۳۴ ش، ۱۷: ۲۸۸).

رسم گوشه‌گیری و عزلت و ریاضت‌های سخت در ادیان و اقوام گوناگون از قبیل هندوها، ایرانیان، مسیحیت، یونانی‌ها و سایر اقوام وجود داشته است. به طور مثال مذاهب و عقاید مختلف هندی در این اصل مشترك بوده‌اند که پایه و اساس سعادت و نجات و فرار از دنیا و ترك جمیع لذات و مشتتهای جسمانی همراه با تعذیب و شکنجه‌ی بدنی و دوام ریاضت‌کشی می‌باشد. روی این اصل باید نفس را با انواع ریاضت‌های شاقه و شکنجه‌های سخت عادت داد تا بدین وسیله علاقه‌ی او از دنیا و خوشی‌های جسمانی قطع گردد (زنجانی، ۱۳۶۷ ش، ۲۸). منشأ رهبانیت در ادیان ابراهیمی را می‌توان از مسیحیت دانست. بذر عرفان مسیحی را راهبان پرشور و تحرك در قرون اولیه‌ی میلادی در دل صحراها و کوه‌ها و در داخل غارها و زاویه‌ها کاشته‌اند و با ریاضت آبیاری کرده و کم‌کم به رشد و بالندگی رسانده‌اند تا در قرن چهارم به طور ناگهانی به صورت يك نهضت معنوی، دنیای مسیحیت را فرا گرفت و نهایتاً در قرن پنجم منجر به تکوین عرفان مسیحی شد (Chryssavgis, 2003, 1-6).

اما مشایخ صوفیه که قائل به چله‌نشینی و ریاضت هستند خود بر این باورند که اندیشه‌ها و رفتار آنان، گوهر حیات بخش اسلامی را معرفی می‌کند و این گوهر در هر کجا شکوفا شود، آرمان‌های معنوی و اخلاقی مخصوص اسلام جان می‌گیرد (چیتیک، ۱۳۸۶ ش، ۲۷ و ۳۱).

علاقه به چله‌نشینی در بین مسلمانان در فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی به وجود آمد. میل به زهد و عزلت؛ مخصوصاً بعد از دوره‌ی خلفای راشدین که بنی‌امیه خلافت را به سلطنت تبدیل کردند، در بین عده‌ای از مسلمانان قوت بیشتری یافت و منتهی شد به نوعی نهضت زهد که گویی عکس‌العملی بود

در برابر افراط و اسراف آن عده از مسلمانان که در ثروت و نعمت غوطه ور بودند (زرین کوب، ۱۳۶۲ش، ۴۵).

عزالت و خلوت داشتن به شیوه و روش متصوفه امری است محدث و نو، زیرا در عهد رسول خدا (ص) چنین چیزی مرسوم نبوده و پس از اتمام رسالت، خلوت و عزالت مرغوب و محبوب گشت، لذا آنان که خود را طالب حق و حقیقت می دانستند از اینکه دین خود را سالم نگه دارند و حفظ نمایند صوامع و خلوتگاه‌ها را اختیار نمودند.

### ۳. مستندات صوفیه برای چله‌نشینی

۱. چهل شبه شدن میقات حضرت موسی (ع)

۲. خلوت گزینی پیامبر (ص) قبل از بعثت

۳. حدیث اخلاص

۴. احادیث دیگری که تاکید بر عزالت و گوشه‌نشینی دارند.

این مستمسکات به شخص خاصی نسبت داده نشده، بلکه موارد مذکور به کل صوفیه نسبت داده شده است که در ذیل بررسی می شوند.

#### ۳-۱. چهل شبه شدن میقات حضرت موسی (ع)

چهل شبه شدن میقات حضرت موسی (ع) در دو آیه از قرآن ذکر شده است:

«وَإِذْ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ» (البقره: ۵۱): «و موقعی که با موسی چهل شب وعده نهادیم، پس شما گوساله پرستی اختیار کرده ستمکار و بیدادگر شدید».

«وَ وَاَعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتَمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (الأعراف: ۱۴۲): «و با موسی سی شب وعده کردیم و آن را به ده شب دیگر تمام کردیم پس قرار پروردگارش چهل شب به سر آمد. و موسی به برادرش هارون گفت: در میان قوم من نایب من باش و به اصلاح پرداز و مفسدان را پیروی مکن».

اما چهل شبه شدن میقات حضرت موسی دلایلی داشته که ارتباطی با

چله نشینی مشهور صوفیه ندارد. مهمترین دلیل اضافه شدن بر این میقات؛ آزمایش بنی اسرائیل بوده است که خداوند با انجام این کار استواری بنی اسرائیل بر دین حضرت موسی (ع) را آزمایش کرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱: ۳۶۸) علاوه بر این، با بررسی کیفیت خلوت‌گزینی حضرت موسی (ع) در کوه طور درمی‌یابیم که نحوه‌ی برگزاری چله نشینی صوفیه با خلوت‌گزینی حضرت موسی (ع) شباهتی ندارد. از مطالبی که در کتاب تورات (همدانی، ۱۳۸۰ش، ۱۷۰) آمده، بر می‌آید اعمالی که حضرت موسی در خلوت خود انجام داده‌اند، عبادت، مناجات و روزه داری بوده است که متعارف و به دور از تکلف و مشقت صورت پذیرفته است.

### ۳-۲. خلوت پیامبر قبل از بعثت

به طور قطع و یقین حضرت محمد (ص) در دوران قبل از بعثت سالی یک ماه را در غار حراء به عبادت و تفکر می‌گذرانده است. عمل ایشان مستند دیگر صوفیه برای چله‌نشینی مرسوم خود می‌باشد.

از عادات کسانی که بر دین حنیف بودند و از پرستش بت بیزاری می‌جستند این بود که در مدتی از سال در خلوت به سر می‌بردند تا به خدای خود به وسیله دعا و روزه داری تقرب جویند. محمد (ص) نیز که از حنفاء بود قصد غار حراء می‌نمود و در ماه رمضان در آنجا خلوت می‌گزید که علی (ع) برای ایشان غذا می‌بردند (خیرالدین، ۱۳۸۸ق، ۱۴۳-۱۴۴). باید دانست که آن حضرت در آن یک ماه از مردم بریده نبودند و ریاضت‌های سخت به خود روا نمی‌داشت (ابن هشام، بی‌تا، ۱: ۱۲۵). این تفکرات و عبادات مانع از آن نبود که ایشان وظایف زناشویی و محبت در خانواده و معاشرت با مردم را کنار بگذارد (خلیلی، ۱۳۷۷ش، ۱۲۱). این عمل متصوفه از خیلی جهات با عمل پیامبر (ص) تفاوت دارد و این خلوت‌گزینی بعد از بعثت ایشان صورت نگرفته است و مدرکی در دست نیست که محمد (ص) در دوران رسالت به این عمل دست زده باشد. لذا متصوفه به عمل خلوت نشینی آن حضرت اضافاتی وارد نموده و آن را بدین شکل درآوردند.

### ۳-۳. حدیث اخلاص

مستند دیگر صوفیان حدیث اخلاص است که در منابع شیعه و سنی به گونه‌های مختلفی نقل شده است. ابتدا از منابع شیعه به بررسی سندی و دلالتی آن می‌پردازیم.

#### ۳-۳-۱. منابع تشیع

##### ۳-۳-۱-۱. حدیث اول

صَدُوق، عَنْ أَبِي بَكْرٍ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُونُسَ بْنِ زُرَيْقِ الْبَغْدَادِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَيْرَةَ مَوْلَى الرَّشِيدِ، عَنْ دَارِمِ بْنِ قُبَيْصَةَ بْنِ نِهْشَلٍ بِسْرَمَنْ رَأَى قَالَ: حَدَّثَنَا الرَّضَا عَنْ آبَائِهِ (عليهم السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَزْبَعِينَ صَبَاحاً إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (صدوق، ۱۳۷۸ش، ۲: ۶۹). هرکس چهل روز خودش را برای خدا خالص گرداند چشمه‌های حکمت از قلبش به زبانش جاری می‌گردد.

##### ۳-۳-۱-۱-۱. بررسی سندی

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی معروف به شیخ صدوق که وی ثقه می‌باشد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۳۸۹).

ابن زریق بغدادی: درباره وثاقت او مطلبی گفته نشده است.

علی بن محمد بن عینة: نجاشی و ابن داوود او را مضطرب الحدیث و ضعیف ارزیابی کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۲۶۲؛ ابن داود، ۱۳۸۳ق، ۴۸۶).

دارم بن قبیصة: ابن غضائری و اشخاص دیگر رجال شناس، وی را موثق نمی‌دانند (ابن غضائری، ۱۳۶۴ش، ۱: ۵۹- خویی، ۱۴۱۳ق، ۷: ۸۷- ابن داود، ۱۳۸۳ق، ۴۵۲).

در سند این حدیث دو نفر ضعیف و یک نفر مجهول وجود دارد، لذا حدیث از حیث سند فاقد اعتبار است.

##### ۳-۳-۱-۲. حدیث دوم و سوم

حدیث دیگری با مضمون حدیث اول در کتاب شریف کافی آمده است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُنْتَقِرِيِّ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ

عَنِ السَّنْدِيِّ عَنِ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: مَا أَخْلَصَ الْعَبْدُ الْإِيمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَزْبَعِينَ يَوْمًا أَوْ قَالَ مَا أَجْمَلَ عَبْدٌ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَزْبَعِينَ يَوْمًا إِلَّا زَهَّدَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الدُّنْيَا وَبَصَّرَهُ دَاءَهَا وَدَوَّاهَا فَأَثْبَتَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَانْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۶).

حدیث دیگری به صورت مرسل از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «وَفِي الْخَبَرِ عَنِ النَّبِيِّ ص مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَزْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنَابِعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ۲۳۲).

### ۳-۳-۱-۲-۱. بررسی سندی

سفیان بن عیینه: رجال شناسان شیعه در مورد وی گفته‌اند او جزء اصحاب ما نمی باشد (برقی، ۱۳۸۳ق، ۴۵۸). و ابن ندیم او را از زیدیه دانسته است (ابن ندیم، ۱۴۱۷ق، ۱: ۲۲۲). منقری: درباره وثاقت منقری نیز در بین علماء اختلاف وجود دارد، به عنوان مثال نجاشی او را، راوی احادیث ضعفاء ذکر کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ۴۲۸).

### ۳-۳-۱-۲-۲. بررسی متنی

اگر از ضعف سند این احیث چشم‌پوشی کنیم، در متن این احادیث نیز با دو لفظ «اخلاص» و «جمیل» رو به رو هستیم. به عبارتی می توان گفت عملی زیباست که خالص باشد به همین دلیل حضرت زینب (س) بعد از واقعه‌ی عاشورا می‌فرماید: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» (بحرانی، ۱۴۱۳ق، ۱۷: ۳۸۳)، و این بدین معناست که کار خالصانه و مورد رضایت خداوند زیباست. حال در می‌یابیم که اخلاص ورزیدن، نیازی به گوشه نشینی و رنج و مشقت ندارد، لذا پیشوایان، ما را از عزلت نشینی منع کرده‌اند. از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمودند: «مَنْ صَلَّى أَزْبَعِينَ يَوْمًا فِي جَمَاعَةٍ يُدْرِكُ التَّكْوِينَةَ الْأُولَى كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ تَنْبَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَبَرَاءَةٌ مِنَ النَّفَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۸۵: ۳) کسی که نماز خود را با درک تکبیر اول نماز جماعت، چهل روز انجام دهد، خداوند دو برائت را برای او مقرر می‌سازد: برائت از آتش دوزخ و برائت از نفاق. در این حدیث امر به نماز جماعت شده است و با عزلت ناسازگار است و مستلزم حضور در جامعه است.

## ۳-۳-۲. منابع اهل سنت

همچنین این حدیث در منابع اهل سنت از طریق ابن عباس و ابویوب انصاری و ابوموسی اشعری نقل شده است که همه‌ی آنها دارای سلسه سند ضعیف می‌باشند.

## ۳-۳-۱. طریق ابن عباس

طریق اول: «أَخْبَرَنَا أَبُو الْقَاسِمِ يَحْيَى بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَذْنِيُّ ثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ الْأَذْنِيُّ قَالَ قَالَ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فَيْلِ الْإِمَامِ بِأَنْطَاكِيَّةَ ثَنَا عَامِرُ بْنُ سَيَّارٍ ثَنَا سِوَارُ بْنُ مُصْعَبٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (ابن سلامة، ۱۴۰۵ق، ۱: ۲۸۵-۲۸۶).

طریق دوم: «أَنْبَأَنَا أَبُو الْقَاسِمِ يَحْيَى بْنُ عَلِيٍّ الْأَزْدِيُّ حَدَّثَنَا أَبُو طَاهِرٍ الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فَيْلٍ حَدَّثَنَا عَامِرُ بْنُ سَيَّارٍ حَدَّثَنَا سِوَارُ بْنُ مُصْعَبٍ ابْنِ ثَابِتٍ الْبَيَّانِي عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ تَعَالَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ» (ابن الجوزی، ۱۳۸۸ق، ۳: ۱۴۴).

## ۳-۳-۱-۱. بررسی سندی

أبو القاسم يحيى بن أحمد بن علي الأذني علي بن الحسن الأذني: در كتب رجالی اثری از مدح یا ذم او دیده نشده است لذا این راوی مجهول می‌باشد.

حسن بن احمد: ثقة است (ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۸: ۴۴۸).

عامر بن سیار: مجهول است (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۳: ۲۲۳).

سوار بن مصعب: فتنی و نسائی درباره وی گفته‌اند وی متروک می‌باشد

(فتنی، ۱۳۴۳ق، ۱۳۹؛ نسائی، ۱۴۰۶ق، ۱۸۷)

ثابت: این فرد نیز مجهول است.

مقسم بن بجرة: در ذم وی چیزی گفته نشده و صالح الحدیث است (مزی،

۱۴۱۳ق، ۲۸: ۴۶۱-۴۶۴).

حدیثی که از طریق ابن عباس نقل گردیده است از لحاظ سندی و متنی



تفاوت دارد، یعنی حدیث مضطرب است و از لحاظ سندی دارای راویان مجهول و ضعیف می‌باشد.

### ۳-۲-۲. طریق ابو ایوب انصاری

طریق اول: «أَبَانَا أَحْمَدُ بْنُ أَحْمَدِ الْحَدَّادِ أَبَانَا أَبُو نَعِيمٍ أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَافِظِ حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ الْحَسَنِ حَدَّثَنَا عَبَّاسُ بْنُ يُوسُفَ الشَّكَلِيِّ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَنَانَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ حَدَّثَنَا يَزِيدُ الْوَاسِطِيُّ أَبَانَا حَجَّاجٌ عَنْ مَكْحُولٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ عَلَى لِسَانِهِ» (ابن جوزی، ۱۳۸۸ق، ۳: ۱۴۴).

طریق دوم: «أَبُو خَالِدٍ الْأَحْمَرِيُّ عَنْ حَجَّاجٍ عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ: بَلَّغَنِي أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» (ابن ابی شیبیه کوفی، ۱۴۰۹ق، ۸: ۱۳۱).

### ۳-۲-۲-۱. بررسی سندی

حمد بن أحمد الحداد: کوفی درباره وی گفته از نظر ضبط در احادیث مشکلی ندارد. ولی درباره وثاقت وی سخنی نگفته است (کوفی، ۱۴۱۳ق، ۵).  
 أبو نعیم: ابن حبان و ابن حجر وی را موثق دانسته‌اند (ابن حبان، ۱۴۱۲ق، ۱: ۸۸؛ ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ۱: ۲۰۱-۲۰۲).

حبیب بن الحسن: از نظر ذهبی صدوق می‌باشد (ذهبی، ۱۴۱۸ق، ۱: ۲۳۲).  
 عباس بن یوسف الشکلی: خطیب بغدادی و سمعانی گفته‌اند: صالح و با تقوا بوده است (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷ق: ۱۲: ۱۵۲؛ سمعانی، ۱۴۰۸ق، ۳: ۴۴۹).  
 محمد بن سنان: ثقه نمی‌باشد (ذهبی، بی‌تا، ۳: ۵۷۵).

محمد بن اسماعیل: ابن جوزی گفته او مجهول بوده است (ابن جوزی، ۳: ۱۴۴-۱۴۵). و با تفحص در کتب دیگر این دیدگاه صحیح است.  
 یزید واسطی: او منکر الحدیث بوده است (ابن سعد، بی‌تا، ۷: ۳۱۰؛ ابن حبان، ۱۳۹۳ق، ۳: ۱۰۵).

حجاج: از نظر ابن حبان و ابن ابی حاتم او ضعیف بوده است (ابن

حبان، ۱۳۹۳ق، ۱: ۲۲۵؛ ابن ابی حاتم رازی، ۱۳۷۱ق، ۳: ۱۵۴).  
مکحول: ابن حجر گفته است که بیشتر روایت‌های او مرسل بوده است (ابن حجر، ۱۴۰۴ق، ۱۰: ۲۵۸-۲۶۰). بنابراین سند حدیث ابو ایوب انصاری نیز ضعیف است.

### ۳-۲-۳. طریق ابو موسی اشعری

«حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَلَمٍ ثَنَا حَمِيدُ بْنُ زَنْجَوِيهِ ثَنَا أَبُو أَيُّوبَ الدَّمَشَقِيُّ ثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ مَهْرَانَ الرَّفَاعِيُّ ثَنَا مَعْنُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ الْحَسَنِ عَنِ أَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَأَخْلَصَ فِيهَا الْعِبَادَةَ أَخْرَجَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى لِسَانِهِ يَنْابِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ» (ابن عدی، ۱۴۰۴ق، ۵: ۳۰۷-۳۰۸).

### ۳-۲-۳-۱. بررسی سندی

عبد الله بن محمد بن سلم: ابن ابی حاتم وی را صادق دانسته است (ابن ابی حاتم، ۱۳۷۱ق، ۵: ۷۷-۷۸).

حمید بن زنجویه: او درباره‌ی این راوی نیز همان سخن را می‌گوید (همان، ۳: ۲۲۳).  
أبو أيوب دمشقی: ابن ابی حاتم این راوی را ثقه می‌داند ولی از افراد ضعیف نقل حدیث می‌کرده است (همان، ۳: ۱۲۹).

عبد الملك بن مهران رفاعی: ذهبی احادیث او را باطل می‌داند (ذهبی، بی تا، ۲: ۶۶۵).  
معن بن عبدالرحمن: ابن سعد او را ثقه دانسته است (ابن سعد، بی تا، ۶: ۳۰۴).  
حسن: او حسن بصری است (مزی، ۱۵: ۴۴۶-۴۴۸). این مطلب را در مورد حسن بصری باید در نظر گرفت که خود از صوفیه بوده است.

نتیجه بحث: این حدیث از طریق سه صحابه نقل شده است. در زنجیره حدیث به افراد مجهول الحال و ضعیفی برخورد می‌کنیم و حدیث از حیث سند با مشکل مواجه است. علاوه بر عدم وثاقت راویان، متن حدیث نیز دارای اضطراب می‌باشد. در حدیث نقل شده از ابن عباس و ابو ایوب انصاری از واژه‌ی «اخلاص» و در حدیث نقل شده از ابو موسی اشعری از واژه‌ی «زهد» استفاده شده؛ در صورتی که «اخلاص» به معنای انجام امور در جهت رضایت خدا، ولی «زهد» به معنای بی میلی نسبت

به دنیا است. از این گذشته، حدیث مذکور دلالتی بر گوشه‌نشینی و انجام امور غیر عادی و مشقت بار ندارد.

در ادامه، واژه اخلاص و دلالت آن بر چله‌نشینی و صحت و سقم آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### ۳-۴. مفهوم اخلاص در احادیث اخلاص

واژه اخلاص، مصدر باب افعال از ریشه خلوص و خلاص به معنای پاک شدن و سالم گشتن از آمیختگی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۷: ۲۸). خالص، کالایی را گویند که با چیزی ممزوج و مخلوط نباشد و معنایی نزدیک به «صافی» دارد با این تفاوت که صافی به جنسی نیز که از همان ابتدا با چیزی آمیخته نبوده اطلاق می‌شود؛ ولی خالص، جنسی است که پس از امتزاج با چیز دیگر، خواه پست‌تر باشد یا نه، پاک، و ناخالصی آن زدوده شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۹۲). لغویان برای خلوص، معانی دیگری نیز بر شمرده‌اند، مانند رسیدن، نجات یافتن، کناره‌گیری کردن از دیگران و ویژه خود گردانیدن که در هر یک از این معانی، به نوعی معنای اصلی این ریشه یا لوازم آن وجود دارد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۷: ۵۶۲). «اخلاص» به معنای خالص کردن، پاک گردانیدن و برگزیدن است.

«اخلاص» در بیان اندیشمندان اسلامی عبارت است از پاک و خالص ساختن قصد و نیت از غیر خدا. به عبارت دیگر حقیقت اخلاص آن است که نیت انسان از هر گونه شرك خفی و جلیّ پاک باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ۸: ۱۲۸). به عبارتی می‌توان گفت اخلاص با نیت در آمیخته شده است و عملی خالص است که برای خدا باشد بنابراین انجام اعمال غیر معمول و مشقت بار صرفاً نشانه‌ی اخلاص نیست. متن حدیث نیز اشاره‌ای به اعمال خاصی ندارد و فقط از اخلاص سخن به میان آورده است. خداوند درباره‌ی تلاش و کوشش در راهش می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت: ۶۹) و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند قطعاً هدایتشان خواهیم کرد و خدا با نیکوکاران است.

پیدا است که هم تعبیر به (جهاد) تعبیر وسیع و مطلق است و هم تعبیر (فینا)، بنابراین هر گونه جهاد و تلاشی را که در راه خدا و برای او و به منظور وصول به اهداف الهی صورت گیرد شامل می‌شود، خواه در طریق کسب معرفت باشد، یا جهاد با نفس، یا مبارزه با دشمن یا صبر بر طاعت، یا شکیبایی در برابر وسوسه معصیت، یا در مسیر کمک به افراد مستضعف، و یا انجام هر کار نیک دیگر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ش، ۱۶: ۳۴۹). حقیقت اخلاص، انجام دادن عمل برای خدا و به انگیزه تقرّب به او است (طوسی، بی تا، ۹: ۵). در قرآن به صورت‌های گوناگونی به حقیقت اخلاص پرداخته شده است. تعبیر برخی آیات، به جا آوردن عبادات و قرار دادن همه شؤون زندگی و مرگ فقط برای خدا (لله) است: «قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (الأنعام: ۶).

در فقه نیز اخلاص آن است که مکلف در عمل عبادی خود جز قصد قربت و عبودیت برای پروردگار، هیچ انگیزه‌ی دیگری نداشته باشد؛ آن دسته از تکالیف که قصد تقرّب به خداوند، شرط صحّت آنها است، تعبّدی نامیده می‌شود در برابر توفیق که صحّت آن به قصد تقرّب مشروط نیست. خلوص در نیت عبادی، شرط و عبادت بدون آن باطل است. ریا در مقابل اخلاص قرار دارد، که موجب بطلان عمل عبادی است (حکیم، ۱۳۷۴ش، ۶: ۲۰-۲۱).

#### ۴. عزلت و گوشه‌گیری از نظر اسلام

در کلام پیشوایان دین به احادیثی برخورد می‌کنیم که گوشه‌گیری را جایز شمرده‌اند و از طرفی دیگر، احادیثی وجود دارد که از این کار نهی کرده، و تعامل با اجتماع را بهتر از گوشه‌گیری می‌دانند.

##### ۴-۱. احادیث تأییدکننده گوشه‌گیری

چندین حدیث در این باب وارد شده که نمونه‌هایی از آن در ادامه آورده می‌شود:

۱- پیامبر (ص) می‌فرماید: «الْعُزْلَةُ عِبَادَةٌ»؛ گوشه‌گیری، عبادت است (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ۳۴۱).

۲- امام صادق (ع) می‌فرماید: «فَسَدَ الزَّمَانُ وَتَغَيَّرَ الْإِخْوَانُ، فَرَأَيْتُ الْإِنْفِرَادَ أَسْكَنَ

لِلْفُؤَادِ؛ زمانه فاسد شده و برادران تغییر کرده‌اند. بنابراین، آرامش دل را در تنهایی یافتیم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۴۷: ۶۰).

۳- امام علی (ع) می‌فرماید: «مَنْ اعْتَزَلَ النَّاسَ سَلِمَ مِنْ شَرِّهِمْ»؛ هر که از مردم کناره گرفت، از شرشان سالم ماند (تمیمی، ۱۴۱۰ق، ۵۹۹).

۴- امام علی (ع): «الْعُزْلَةُ أَفْضَلُ شَيْمِ الْأَكْيَاسِ»؛ گوشه‌گیری، برترین خصلت زیرکان است (تمیمی، ۱۴۱۰ق، ۷۵).

و احادیثی دیگر از این دست که گواهی می‌دهند؛ انزوا و دوری از مردم، نشانه عقل و دانش و سبب حضور قلب در عبادت و رسیدن به انواع فوائد است.

همچنین گاهی طرفداران مسأله عزلت و گوشه‌گیری که در میان صوفیه هستند به بعضی از آیات قرآن نیز توسل می‌جستند، از جمله آیه ۱۶ سوره کهف که می‌فرماید: «وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مَرْفَقًا»؛ هنگامی که از آنان و آنچه جز خدا می‌پرستند، کناره‌گیری کردید، به غار پناه برید که پروردگارتان رحمتش را بر شما می‌گستراند، و در برابر این امر (وحشتی که از کفار دارید) آرامشی برای شما فراهم می‌سازد.

اگر در احادیث بالا کمی دقت و تأمل شود به خوبی ثابت می‌شود که مسأله عزلت و گوشه‌گیری در یک سلسله شرایط خاص اجتماعی، و به صورت استثنایی توصیه شده است.

در حدیث اول پیامبر (ص) توصیه به گوشه‌گیری کرده، اما اگر به حدیث مورد نظر در کتابی که این حدیث در آن ذکر شده است، رجوع گردد، مشخص می‌شود که در متن حدیث مواردی دیگر ذکر شده از قبیل دوری از طمع که باعث فقر است و روی آوردن به قناعت و کنار گذاشتن آرزوهای دور و دراز که در حقیقت پیامبر (ص) از یکسری امور که انسان را از مسیر صحیح دور می‌کند نهی فرموده است و روشن است که مقصود ایشان از عزلت، بریدن از اجتماع نیست بلکه دوری از کسانی است که انسان را از مسیر حقیقی خارج می‌کنند. در آنجا که امام صادق (ع) گوشه‌گیری را برای خود انتخاب می‌کند، دلیل آن را فساد زمان و تغییر اخوان و عدم امکان همکاری با مردم آن عصر

می‌شمرد. زمانی که دستگاه ستمگر زمانه، از فعالیت ائمه جلوگیری می‌کرد و یاران حقیقی و خالص در اطراف امام صادق (ع) کم و نایاب بوده است. در حدیثی که از امیرالمؤمنین علی (ع) نقل شد، سلامت دین در عزلت دانسته شده و این مسأله مربوط به جایی است که معاشرت با مردم به راستی دین انسان را به خطر بیندازد. گاه بعضی از افراد شرایط خاصی دارند، و در برابر فساد آسیب پذیرند. امکان دارد به این گونه افراد توصیه شود، کمتر در اجتماعات ظاهر شوند. و تعامل آنها با مردم کمتر شود. در حقیقت آنها شبیه افرادی اند که سیستم دفاعی بدن آنها ضعیف است و دکتر به آنها پیشنهاد می‌کند که با افراد دیگر کمتر ملاقات داشته باشند تا به انواع بیماری‌ها دچار نشوند. همچنین اگر موضوع آلودگی هوا در نظر گرفته شود، به افراد ضعیف مانند: کودکان و پیرمردان و بیماران قلبی و تنفسی توصیه می‌شود در خانه بمانند.

در مورد اصحاب کهف نیز اگر به داستان آنها نظری افکنده شود، در می‌یابیم که آنها در یک جامعه‌ی کافر و بی‌بند و بار و ناسالم گرفتار بودند و به خاطر ایمان به پروردگار، در تعقیب بودند. حال چاره‌ای جز فرار از شهر و دیار و پناه بردن به کوه و غار نداشتند.

همچنین در داستان حضرت ابراهیم (ع) این مسأله مشاهده می‌شود که او نهایت تلاش و کوشش خود را در راه مبارزه با بت‌پرستی به کار برد، اما هنگامی که این تلاش را مؤثر ندانست، مأمور به مهاجرت و عزلت شد (مریم: ۴۹). بدیهی است این شرایط برای هر کس در هر زمان حاصل شود، چاره‌ای جز هجرت و عزلت نیست، اما این اصل یک اصل اساسی محسوب نمی‌شود بلکه یک استثناء و مربوط به شرایط خاص است.

هیچ کدام از اینها یک اصل کلی نیست، بلکه مربوط به شرایط خاص اجتماعی است، یا شرایط خاص فرد، بنابراین نباید آن را به همگان و در هر زمان و مکان توصیه کرد.

اگر می‌بینیم امام صادق (ع) به یکی از یارانش می‌فرماید: اگر می‌توانی از خانه‌ات بیرون بروی چنین کن، چرا که از غیبت و دروغ و حسد و ریا و ظاهرسازی و مداهنه نجات خواهی یافت (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ۱۵: ۳۵۴)، حتماً یا شرایط جامعه

در آن زمان چنین ایجاب می‌کرده و یا آن فرد، فرد آسیب‌پذیر و ضعیفی بوده است. همچنین انسان‌هایی که در سطح اجتماع با هم نوعان خود زندگی می‌کنند، به منظور الفت با خدای خود، می‌بایست ساعاتی از روز را برای نیایش و عبادت در خلوت به سر ببرند. اما تحمیل اعمال سخت و مشقت بار بر خود، از هیچ یک از پیشوایان دین توصیه نشده و انجام اعمال غیر معمول، با اخلاص در عبادات همسو نیست.

#### ۴-۲. احادیث ردکننده گوشه‌نشینی

در مقابل احادیث یاد شده در تأیید عزلت‌گزینی، احادیثی دیگر نیز موجود است که از این کار نهی کرده است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

۱- پیامبر (ص) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ الَّذِي يُخَالِطُ النَّاسَ وَيَصْبِرُ عَلَىٰ أَذَاهُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْمُؤْمِنِ الَّذِي لَا يُخَالِطُ النَّاسَ وَلَا يَصْبِرُ عَلَىٰ أَذَاهُمْ»؛ مؤمنی که با مردم می‌آمیزد و بر آزار و اذیت آنان صبر می‌کند، برتر از مؤمنی است که با مردم نمی‌آمیزد و آزار و اذیت آنان را تحمل نمی‌کند (طبرسی، ۱۳۸۵ق، ۱۹۲).

پیامبر (ص): «لَصَبْرٌ أَحَدِكُمْ سَاعَةً عَلَىٰ مَا يَكْرَهُ فِي بَعْضِ مَوَاطِنِ الْإِسْلَامِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَتِهِ خَالِيًا أَرْبَعِينَ سَنَةً»؛ اگر فردی از شما در نقطه‌ای از جهان اسلام آنچه را که برایش ناگوار است يك ساعت تحمل کند، بهتر است از این که چهل سال در خلوت و تنهایی به عبادت پردازد (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۶۷).

در حدیثی معروف آمده است: فرزند «عثمان بن مظعون» از دنیا رفته بود و او بسیار غمگین شد، تا آن‌جا که خانه‌اش را مسجد قرار داد و مشغول عبادت شد (و هر کاری را جزء عبادت ترک گفت) این خبر به رسول خدا (ص) رسید، او را احضار کرده و فرمود: «يَا عَثْمَانُ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتُبْ عَلَيْنَا الرَّهْبَانِيَّةَ، إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجَهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. أَيُّ عَثْمَانُ! خَدَاوَنَدِ مَتَعَالِ رَهْبَانِيَّةٍ رَا بَرَايَ اَمْتِ مَن مَقْرَر نَدَاشْتَه، رَهْبَانِيَّةِ اَمْتِ مَن جِهَادِ دَر رَاهِ خَدَاسْتِ» (صدوق، ۱۳۷۶ش، ۶۶).

امام صادق (ع) در فرازی از فرمایش خود در خصوص دین اسلام می‌فرماید: گوشه‌گیری و بیابان‌گردی که دوری از مردم باشد، در دین اسلام وجود ندارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۱۷).

کناره‌گیری کامل و همیشگی از مردم با روح آموزه‌های دینی؛ مانند: ادای حقوق مؤمنان، خوش رفتاری با پدر و مادر، دیدار برادران دینی، روا ساختن حاجت مؤمن، اصلاح میان مردم، اطعام مؤمن، خیرخواهی مؤمن، همت گماشتن به امور مسلمانان و صلح ارحام و ...، منافات دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲: ۶۳۵). از مجموعه‌ی مطالب بالا می‌توان نتیجه گرفت که حدیث مشهور پیامبر اکرم (ص) که می‌فرمایند: «لَا رُهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ۲: ۱۹۳)، ناظر به نوع خاصی از رهبانیت است که همان شیوه افراطی آن بوده و در اسلام نهی شده است. در مقابل از زهدگرایی و رهبانیت معقول و پسندیده جانبداری شده است. بنابراین در اسلام با رهبانیتی ممدوح که شاخص‌هایی مانند: زهد، جهاد با نفس و اعتکاف داشته باشد نه تنها مخالفت نشده، بلکه تصدیق شده و از چنین کسانی تمجید نیز می‌شود.

نکته‌ای که در پایان باید بدان توجه داشت آن است که بین رعایت آداب و دستورات دینی با زندگی اجتماعی، منافاتی وجود ندارد، بلکه آداب گوشه‌گیری را در زندگی اجتماعی می‌توان رعایت و اهداف آن را نیز می‌توان به دست آورد؛ چون عمده آداب خلوت‌گزینی؛ غیر از دوری و گوشه‌نشینی از مردم، عبارتند از: وضوء دایمی، ذکر دایم تلاوت قرآن، کم‌خوابی، کم‌گویی، کم‌خوری، خود را در محضر ذات حق تعالی دیدن و ... که در زندگی اجتماعی دینی هم می‌شود عمده آن را رعایت کرد و هدف عمده آن، سلامت دین و آباد نمودن اوقات و بررسی احوال نفس و اخلاص عمل است که همه این اهداف در زندگی اجتماعی دینی قابل تحصیل است. خلاصه این که انسان در هر حالی و در هر کاری می‌تواند به یاد ذات حق تعالی باشد و به بررسی و سازندگی حالات نفس پردازد.

## ۵. نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام شده نتایج زیر حاصل شد:

چله‌نشینی لفظی است مرکب که قسمت اول آن چله است و نشان‌دهنده‌ی عدد چهل است. این عدد در اکثر فرهنگ‌ها عدد مقدس و قابل توجهی است و می‌توان گفت این عدد دارای اسرار و رموز خاصی است. در هند، بودا رسالت خود را از سن چهل سالگی شروع می‌کند. در زمان جاهلیت نیز عدد چهل



تقدس خاصی داشت؛ به طور مثال؛ عرب جاهلی غالباً شخصی را که به چهل سالگی نرسیده بود در شورای دارالندوه به عضویت نمی‌پذیرفت. در قرآن کریم سن چهل سالگی زمان مناسب برای رشد انسان محسوب شده است. علاقه به چله‌نشینی در بین مسلمانان در فقدان عدالت اجتماعی و اقتصادی به وجود آمد. مخصوصاً بعد از دوره‌ی خلفای راشدین که بنی‌امیه خلافت را به سلطنت تبدیل کردند، به نوعی نهضت زهد عکس‌العملی بود در برابر افراط و اسراف آن عده از مسلمانان که در ثروت و نعمت غوطه‌ور بودند.

یکی از مستندات صوفیه حدیث اخلاص «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً ظَهَرَ تَيَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» است که روایان آن در شیعه و اهل سنت ضعیف هستند. و متن آن به صورت گوناگون نقل شده است. در حدیث نقل شده از ابن عباس و ابویوب انصاری از واژه‌ی اخلاص و در حدیث نقل شده از ابو موسی اشعری از واژه‌ی زهد استفاده شده است. اخلاص به معنای انجام امور در جهت رضایت خدا، ولی زهد به معنای بی‌میلی نسبت به دنیا است. هر کدام از آنها که فرضاً از معصوم صادر شده باشد، بر اعمال سخت و مشقت‌آور صوفیه دلالتی ندارد. احادیثی که تاکید به عزلت داشته‌اند، آنها مربوط به جایی هستند که معاشرت با مردم به راستی دین انسان را به خطر بیفکند. گاه بعضی از افراد شرایط خاصی دارند، و در برابر فساد آسیب‌پذیرند. امکان دارد به این‌گونه افراد توصیه شود، که کمتر در اجتماعات ظاهر شوند. و تعامل آنها با مردم کمتر شود. در حقیقت آنها شبیه افرادی هستند که سیستم دفاعی بدن آنها ضعیف است و دکتر به آنها پیشنهاد می‌کند که با افراد دیگر کمتر ملاقات داشته باشند تا به انواع بیماری‌ها دچار نشوند. همچنین اگر موضوع آلودگی هوا در نظر گرفته شود، به افراد ضعیف مانند کودکان و پیرمردان و بیماران قلبی و تنفسی توصیه می‌شود در خانه بمانند.

در منابع روایی احادیث دیگری هم در زمینه‌ی تایید گوشه‌نشینی و هم در رد گوشه‌نشینی آمده است که در متن مقاله به آنها اشاره شده است. در جمع بین آنها می‌توان گفت؛ بین رعایت آداب و دستورات دینی با زندگی اجتماعی، منافاتی وجود ندارد، برای این که عمده آداب خلوت‌گزینی؛ غیر از دوری و گوشه‌نشینی از مردم که عبارتند از: وضوء دایمی، ذکر دایم تلاوت قرآن، کم‌خوابی، کم‌گویی، کم‌خوری،

خود را در محضر ذات حق دیدن و ... در زندگی اجتماعی دینی هم می شود عمده آن را رعایت کرد، خلاصه این که انسان در هر حالی و در هر کاری می تواند به یاد ذات حق تعالی باشد و به بررسی و سازندگی نفس خود پردازد و نیازی به عزلت و گوشه نشینی و اعمال شاقه آن نداشته باشد.

## منابع

- قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران، دار القرآن الکریم، ۱۴۱۵ ق.
- ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم، ۱۴۱۹ ق.
- \_\_\_\_\_، الجرح والتعديل، بیروت، دارالامم، ۱۳۷۱ ق.
- ابن ابی شیبۀ کوفی، ابوبکر عبدالله بن محمد، المصنف، تحقیق سعید اللحام، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، الموضوعات، مدینه، مکتبه السلفیة، ۱۳۸۸ ق.
- ابن سعد، ابوعبدالله، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن سلامة، عبد الله، مسند الشهاب، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۵ ق.
- ابن حبان، محمد، المجروحین، محمود ابراهیم زاید، مکه، دار الباز للنشر و التوزیع، بی تا.
- \_\_\_\_\_، الثقات، هند، مؤسسه الکتب الثقافیة، ۱۳۹۳ ق.
- \_\_\_\_\_، طبقات المحدثین بأصبهان، عبد الغفور عبد الحق حسین البلوشی، بیروت، مؤسسه الرساله، الثانیة، ۱۴۱۲ ق.
- ابن حجر، ابو الفضل أحمد بن علی، لسان المیزان، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دوم، ۱۳۹۰ ق.
- \_\_\_\_\_، تهذیب التهذیب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، قم، موسسه آل البيت، ۱۳۸۵ ق.
- ابن عدی، عبد الله، الكامل، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق.
- ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم، دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
- ابن ندیم، أبو الفرج محمد بن إسحاق، الفهرست، محقق ابراهیم رمضان، دار المعرفة، بیروت، لبنان، ۱۴۱۷ ق.
- ابن هشام، عبد الملک، السیره النبویة، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران، اسلامیه، بی تا.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، التحصین فی صفات العارفين، قم، مدرسة الإمام المهدي (ع)، ۱۴۰۷ ق.
- \_\_\_\_\_، عدة الداعی و نجاح الساعی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- ارزقی، محمد بن عبدالله، اخبار مکه و ما جاء فیها من الآثار، بیروت، دارالاندلس، ۱۴۰۳ ق.
- برقی، احمد بن محمد، الرجال، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ ق.
- بحرانی، عبد الله بن نور الله، عوالم العلوم، قم، مؤسسه الإمام المهدي (ع)، ۱۴۱۳ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- چیتیک، ویلیام، درآمدی بر تصوف، ترجمه محمد رضا رجبی، قم، ادیان و مذاهب، ۱۳۸۶ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ ق.
- حکیم، محسن، مستمسک العروه الوثقی، قم، ۱۳۷۴ ش.
- خطیب بغدادی، ابوبکر، تاریخ بغداد، مصطفی عبد القادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.

- خلیلی، محمد علی، زندگانی حضرت محمد (ص)، تهران، اقبال، ۱۳۳۷ش.
- خویی، ابوالقاسم، معجم الرجال، بی‌جا، بی‌نا، ۱۴۱۳ق.
- خیرالدین، عبد العزیز، السیرة العطرة محمد خاتم الرسل (ص)، بیروت، دار الفكر العربی، ۱۳۸۸ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه ی دهخدا، ج ۱۷، تهران، چاپخانه دولتی ایران، ۱۳۳۴ش.
- دیلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المومنین، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
- ذهبی، عبدالله، المغنی فی الضعفاء، أبی الزهراء حازم القاضی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- \_\_\_\_\_ میزان الاعتدال، علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات، دمشق - بیروت، دارالعلم الدار الشامیة، ۱۴۱۲ق.
- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- زرین کوب، عبد الحسین، ارزش میراث صوفیه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲ش.
- سمعانی، ابوسعید، الانساب، بیروت، دار الجنان للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۸ق.
- سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور، قم، مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- صدقه، جان م، معجم الاعداد (رموز و دلالات)، بیروت، لبنان ناشرون، ۱۹۹۴م.
- صدوق، ابن بابویه محمد بن علی، امالی، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ش.
- \_\_\_\_\_ عیون أخبار الرضا علیه السلام، محقق: لاجوردی مهدی، تهران، جهان، ۱۳۷۸ش.
- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار، نجف، المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق.
- عمید زنجانی، عباسعلی، تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف، تهران، دارالکتب الاسلامیة، دوم، ۱۳۶۷ش.
- فتنی، محمد طاهر بن علی، تذکرة الموضوعات، ریاض، دار الطباعة المنیریة، ۱۳۴۳ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، المحجة البیضاء، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
- کوفی، فراس بن یحیی، مسانید أبی یحیی الكوفی، القاهرة، مطابع ابن تیمیة، ۱۴۱۳ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
- مزی، یوسف بن عبد الرحمن، تهذیب الکتب، بیروت، مؤسسة الرسالة، الثانية، ۱۴۱۳ق.
- مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۳ش.
- نسائی، احمد بن شعیب، الضعفاء و المتروکین، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۶ق.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، رجال النجاشی، قم، جامعه مدرسین قم، چاپ پنجم، ۱۴۰۷ق.
- همدانی، فاضل خان، ترجمه ی کتاب مقدس، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰ش.

Chryssavgis, John, *In the Heart of the Desert*, Bloomington: World Wisdom, 2003